

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: ساما-ادامه ادامه دهندگان
۲۱ جون ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

جاودان باد خاطره پر شکوه ملنگ "عمار"!

کسی از ما اگر بر خاک افتد
ده ها تن دیگر پیا خیزند
که مرگ مانه هر مرگیست
و بود مانه هر بودی



ملنگ فرزند مبارز و فراموش نشدنی مردم، عضو فعال و کادر برجسته "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان" در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی در [یکی از روستا های] سید خیل { فعلاً ولسوالی سید خیل } ولسوالی جبل السراج ولایت پروان، در یک خانواده فقیر دهقانی دیده به جهان گشود.

این مبارز دلیر می گفت: "زندگی بس فقیرانه خانوادگی و نداشتن فرزند دیگری باعث آن شد که والدینش اسم او را "ملنگ" گذارند. چه می بینم در جامعه ای که ستم طبقاتی بیداد می کند، نامگذاری نیز وجه طبقاتی می داشته

باشد". وی با آن که در یک خانواده فقیر و غریب دهقانی تولد یافت، ولی از آوان کودکی دارای نکاوت و استعداد، متانت و شجاعت بود. زیرا فرزند رنج و زحمت بود.

در سال ۱۳۳۷ش شامل مکتب گردید. در مکتب نیز از زمره شاگردان کوشا، زحمتکش و ممتاز صنف خود به شمار می رفت. طی سالهای ۱۳۴۷ش به بعد که جنبشهای اعتصابی و تظاهراتی روشنفکران و کارگران سراسر کشور را فرا گرفته بود، رفیق گرامی ملنگ هم به علت زندگی فقیرانه و رنجیده خود متأثر از این جریان گردیده، به صفوف مظاهره چیان و اعتصاب کنندگان پیوسته و به زندگی مبارزاتی و انقلابی گرایش نمود. دیگر این رزمنده انقلابی علت اصلی فقر و سیه روزی خود و میلیونها هموطن خویش را به خوبی می دانست. زندگی فقیرانه و پر زحمت نقش آموزنده ای داشته و به درک وی کمک نمود که چرا یک عده ستمگر و عده ای ستمکش می شوند و راه نجات مظلومان و ستمکشان را از زیر یوغ ظالمان و ستمگران نیز دریافته بود. وی دریافته بود که راه چاره مبارزه و مقاومت و آن هم مبارزه و مقاومت مسلحانه می باشد.

این مبارز قهرمان در برانگیختن اعتصابات و تظاهرات متعلمین و کارگران منطقه و سازماندهی آنها نقش برجسته ای داشته، چنانی که می توان نقش رهبری کننده وی را در جنبش کارگران "فابریکه نساجی گلپهار" و تظاهرات "لیسه جبل السراج" و سایر مکاتب در منطقه یاد کرد. این رفیق گرامی و مبارز در متینگ ها و تظاهرات با ادبیات رسا و عام فهم خود سخنرانی کرده و با اشعار انقلابی و پرسوزی که می سرود، همه را به وجد می آورد.

رژیم ارتجاعی "ظاهر شاه" و دستگاه استعداده کش آن که به روشنفکران انقلابی نیز همانند دیگر رزمندگان به مثابه خار چشم خویش می نگریست و همیشه در پی اذیت، محکومیت، سرزنش، تهدید و توقیف آنها بود؛ این رزمنده انقلابی را نیز از آماج حمله برکنار نماند و راه ادامه تحصیل را بر وی بست و از صنف دهم مکتب جبراً اخراجش نمود. بعد از آن در اثر توطئه ناجوانمردانه اربابان زور و زر در محل مدتی زندانی گردید. رفیق ملنگ زندان را هم به صحنه مبارزه تبدیل نموده بود. بعد از سپری شدن دوره زندان با جدیت و قاطعیت هر چه تمامتر مبارزه خود را ادامه داد که به این سبب بار دیگر از طرف رژیم مستبد شاهی گرفتار گردید. اما در این نوبت رفیق با زرنگی و هوشیاری خاصش مزدوران کودن رژیم را گول زده و موفق به فرار گردید که بعد از آن در اثر تعقیب دستگاه های پولیسی و نوکران زر خرید شان در محل، رفیق زندگی مخفی را اختیار و با مدت چهار سال فعالیت پرشور و قرار گرفتن در پروسه داغ عملی مبارزه، وی را چون پولاد آبدیده ساخت.

در سال ۱۳۵۲ش زمان کودتای قلابی داوود، رفیق دوباره زندگی قانونی را اختیار کرد. مدتی به حیث کارگر در وزارت فواید عامه ایفای وظیفه می نمود. زندگی کارگری وی را هر چه بیشتر عاشق کار و بیکار می ساخت و روحیه رزمندگی به وی می بخشید. در ماه اسد سال ۱۳۵۴ش از طرف پولیس رژیم داوودی دستگیر و زندانی گردید. مدت دومه به شکل بسیار وحشیانه شکنجه می شد. با آن که اسرار زیادی در سینه داشت، ولی لب رازدارش نم نزد و به خیانت به یاران و مردمش باز نشد. آنطوری که "عمار" (قوی در ایمان) تخلص می کرد، به حق در برابر دژخیمان داوودی چون کوه ایستاده و خم نگشت. مقاومت و زرنگی انقلابی وی مزدوران ابله رژیم را دچار ضعف و درماندگی ساخت. شکنجه هائی را که وی متحمل می شد، بیشک تحمل آن از عهده یک فرد انقلابی راستین چون ملنگ ساخته بود و بس. بعد از سپری نمودن دو ماه زندان و تحمل شکنجه های وحشیانه رها گردید و همچنان شاداب و پرتلاش با قاطعیت صد چند از پیش به فعالیت انقلابی و مبارزاتی خود ادامه داد.

با به میان آمدن کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ش و تسلط باندهای وطنفروش "خلق و پرچم" توأم با اعمال ستم، استبداد، وحشت و ترور بالای مردم عادی، انقلابیون هم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته در بند و زنجیر کشیده

شدند. رفیق ملنگ هم چون از این ناحیه احساس خطر می نمود، دوباره زندگی مخفی را اختیار نمود تا این که بتواند فعالانه در پهلوی سایر همزمان خود در مقابل توطئه گران روسی و چاکران هرزه آنها مبارزه نماید. فعالیت های انقلابی این مبارز دلیر چه در دوران زندگی قانونی و چه در دوران زندگی مخفی اش در بسیج و سازماندهی و پرورش انقلابی رفق و سایر زحمتکشانش در خور تمجید و یاد آوریست. رفیق ملنگ بی هراس از دشواری و خطر، شب و روز در تلاش بود و خستگی نمی شناخت. دشمن هم به کیفیت انقلابی رفیق پی برده بود و آن را چون خاری در چشمش می دید و وحشیانه به خاطر گرفتاری اش جان می کند. در این گیرودار، متأسفانه رفیق شجاع و دلیر ما – ملنگ – شب اول سرطان ۱۳۵۸ش در یک تصادم غیر مترقبه با گزمه چوچه سگان روسی به عمر ۲۷ سالگی شهید شد. روحش شاد!

آری! ملنگ فرزند قهرمان ملت ما خون پاکش را نثار راه آزادی وطن و مردمش نمود تا سرمشق خوبی برای همه رزمندگان راه آزادی باشد. ما در راهی که با خون این شهید مبارز سرخ شده به پیش می رویم. اگر ملنگ مُرد، آرمانش جاودان است. آرمان مقدس وی را تا دم مرگ دنبال می نمایم. با شهادت این مبارز دلیر "سرگین مغزان" جفا پیشه احمقانه تصور می کردند که کار ما در منطقه یکطرفه شده و به زودی دیگر همزمان وی را نیز گرفتار خواهند ساخت، غافل از این که: با شهادت فرزندان مبارز ملت، فرزندان دیگری به پا خاسته سلاح رزم آنها را برمی دارند و مردانه می رزمند و از هر قطره خون جوانان جانباز هزاران مبارز دیگر به پا می خیزند.

هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

ملنگ فرزند راستین مردم خود بود. وی در راه مردم و وطنش جان خود را فدا ساخت. او در قلوب همه مردم شریف و حقشناس خود جای دارد.

خاطره او هیچ گاه از دل مردمش بیرون نرفته و نخواهد رفت. گرمی باد خاطره فراموش ناشدنی ملنگ جانباز! پخش خبر شهادت رفیق ملنگ عمار، مردم را غرق در اندوه و ماتم نمود، ولی خشم و نفرت شان را نسبت به دشمن صد چندان ساخت. با شهادت ملنگ قهرمان، فعالیت انقلابی در منطقه قطع نشد و صدای دشمن سوز تفنگ وی خاموش نگردید. یارانش پیشاپیش مردم، با ایمان کامل و اراده خلل ناپذیر در راه طرد تجاوز و نابودی وطن فروشان و پاک سازی میهن از وجود کثیف آنها تا سرحد "مرگ یا پیروزی" رزمیده و می رزمند.

جناپتکارانی چون عبدالله [خلقی] و برادرش که در شهادت رفیق قهرمان ما – ملنگ – مستقیماً شرکت داشتند، بعداً از طرف همزمان وی به کیفر اعمال خویش رسیده و اعدام گشتند تا وطنفروشان و جانپان "خلق و پرچم" بدانند که مرگ ما نه هر مرگیست – و بود ما نه هر بودی!

هم اکنون مردم ما شاهد فرار توله سگان [خلقی – پرچی] از روستاها، در زیر حمایت برچه های روسی به شهرها می باشند. ولی به این چاکران هرزه و وطن فروش حالا دیگر در میان زرهپوش ها و تانک ها در پهلوی بادران روسی شان نیز جای امنی سراغ نمی گردد، چه جنبش های اعتصابی و تظاهراتی دانشجویان در شهرها – خصوصاً شهر کابل – این عرصه را نیز بر آنها تنگ نموده است. کاش ملنگ در کنار ما بود تا شاهد فرار این اوباشان هرزه از زادگاه خویش و دیگر روستاهای کشور می بود.

ملنگ نمونه یک انقلابی منضبط، قاطع و دوراندیش بود. خشم و نفرت بیحدی نسبت به دشمن، عشق و ایمان عمیق به مردم و انقلاب، نیندیشیدن به منافع شخصی، حس بی نهایت عمیق وظیفه شناسی در کار و پیکار انقلابی و علاقه بی نهایت آتشین وی نسبت به رفق و مردم – از صفات بارز و برجسته این رفیق پاکباز ما بود. هر کجائی که

مشکلترین کارها می بود، خود به عهده می گرفت. هرکجا که دشواری در کار بود، وی گره کشای آن بود. واضح است که از اینگونه انسانهای خود گذر و انقلابی چون ملنگ قهرمان در کارزار جنگ آزادیبخش مردم ما کم نبوده و نیست. مبارزه و مقاومت دلیرانه و مرگ قهرمانانه هر یک از آنها الهام بخش کار و پیکار مبارزان انقلابی میهن پر افتخار ما افغانستان است. افتخار بر همه آنها!

امپریالیستهای متجاوز روسی و جانپان وطنفروش پرچم و خلق!
باید بدانید که خون ملنگ ها و هزاران شهید مبارز و میهن دوست کشور که تنها گناه شان عشق به آزادی و کینه به دشمنان خارجی و دست نشانندگان ایشانست - پا مال نشدنی است. خون این شهداء گرفته شدنیست. با زندان، کشتار، وحشیگری و ویرانگری نمی توانید روح آزادیخواهی و ندای حق طلبی مردم را خفه کنید. مردم ما اکنون مصمم و یکپارچه شده اند تا خود میهن را آزاد سازند و در این راه از هیچ گونه قربانی های لازم نمی هراسند.
آینده شما جنایتکاران چون گذشته تان منتهی صد چندان بیشتر تیره و اسفناک است. به زودی کیفر اعمال ضد ملی و ضد انقلابی خود را خواهید چشید. آن روزی که به خاطر اعمال ردیالانه و جنایتکارانه تان به پای میز محاکمه مردم کشانیده شوید، چندان دور نیست!

هموطنان دلیر و همزمان شجاع!

راه اگر دور و ناهموار است، آینده تابناک و روشن است. از مشکلات و قربانی نهراسیم تا پیروز شویم. یاد نام آوران گلگون کفن و شهیدان راه آزادی الهام بخش ما در جنگ آزادیبخش ملی است. افتخار به شهدائی که در زندانهای سیاه و در بسته رژیم مزدور روس وحشیانه ترین شکنجه ها را به جان خریدند و جام شهادت نوشیدند و لب به خیانت نگشودند. افتخار به مادرانی که چنین فرزندان را در دامن مرد آفرین خود پروراندند.

جاودان باد خاطره پرشکوه ملنگ "عمار"!

فرخنده باد اولین سالگرد شهادت ملنگ قهرمان!

مرگ بر امپریالیزم متجاوز روس و باندهای وطنفروش پرچم و خلق!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

سرطان ۱۳۵۹ شمسی

نوشته حاضر بازتایپ متن اعلامیه ایست که در سرطان ۱۳۵۹ش به نشر رسیده است.